

همیشه

فرهنگ شهر



مرور جذاب ترین خاطرات از شهید محمدرضا تورجی زاده در سالروز شهادتش

روضه خوانی از پشت بیسیم

مداخی می کرد و صدایش زیبا بود. سوز عجیبی هم داشت. هر چه می خواند به دل می نشست و حال و هوای عاشقان دلسوخته اهل بیت(ع) را متحول می کرد تا جایی که فرمانده شهید حسین خرازی در خط مقدم دفاع مقدس پشت بیسیم از او می خواست برایش روضه خوانی کند. شهید محمدرضا

گزارش روزنامه نگار

اناز عباسیان

روزنامه نگار

در جبهه بسیاری از رزمندگان جذب نوای گرم و دلنشین او می شدند و در وصیت نامه های خود تقاضا داشتند که هر دو شنبه در جبهه، محل گردان و هنگام مرخصی در اصفهان برگزار می شد.

در کتاب «شهدا و اهل بیت(ع)» نوشته ناصر کاوه به نقل از سردار علی مسجدیان آمده است: «محمد را صدا کردم و گفتم: باید مسئول گروهان بشی. رفت یکی از دوستان را واسطه کرد که من این کار را قبول نمی کنم. گفتم: آگه مسئولیت نگیری باید از گردان بری! کمی فکر کرد و گفت: قبول می کنم اما با همان شرط قبلی! گفتم: صبر کن ببینم. یعنی چی که تو باید شرط بذاری؟! اصلا بگو ببینم بعضی هفته ها که نیستی کجا می ری؟ اصرار می کرد که نگویم. من هم اصرار می کردم که باید بگویی کجا می روی. بالاخره گفت. حاجی تا زنده هستم به کسی نگو، من سه شنبه ها از اینجا میرم مسجد جمکران و تا عصر چهارشنبه بر می گردم. با تعجب نگاهش کردم. چیزی نگفتم. بعدها فهمیدم مسیری ۹۰۰ کیلومتری دارم خویشتن تا جمکران را می رود و بعد از خواندن نماز امام زمان(عج) بر می گردد. یک بار همراهش رفتم. نیمه های شب سرس به شیشه بود. مشغول خواندن نافله بود. قطرات اشک از چشمانش جاری بود. در مسیر برگشت با او صحبت کردم. گفت: «یک بار ۱۴ بار ماشین عوض کردم تا به جمکران رسیدم. بعد هم نماز خواندم و سریع برگشتم!» آیت الله میردامادی نقل می کند، بعد از شهادت، خوابش را دیدم. از او پرسیدم این همه از حضرت زهرا(س) گفتی و خواندی، آخرش چه ثمری برایت داشت؟! جواب داد همین که تو آغوش امام زمان(عج) جان دادم، برابم کافی است.»

زمان شهادت: ۵ اردیبهشت ۱۳۶۶

محل شهادت: ارتفاعات شهر پانه

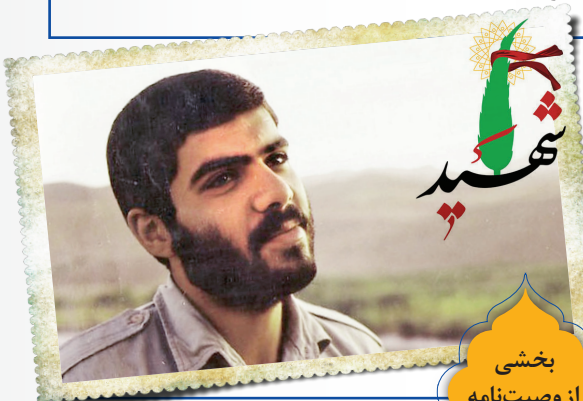
مزار شهید: گلزار شهدای اصفهان

شهید تورجی زاده به نماز اول وقت اهمیت فراوانی می داد و قرآن کریم را بسیار تلاوت می کرد؛ همیشه دو ساعت قبل از نماز صبح به راز و نیاز می پرداخت. حاجیه خانم حمیدی اصفهانی، مادر شهید محمدرضا تورجی زاده از ویژگی های پسرش اینطور می گوید: «از کودکی و قبل از بلوغ نماز می خواند و روزه می گرفت و احترام زیادی برای پدر و مادر قائل بود و در درس را خوب می خواند و در سال ۵۶ فعالیت های انقلابی خود را آغاز کرد و با شروع جنگ تحمیلی در سن ۱۶ سالگی می خواست به جبهه برود که مخالفت کردم و گفتم اول باید دیلم بگیری و بعد روانه جبهه ها شوی و اینگونه تا ۲ سال او را کنار خود نگه داشتم. وقتی تعداد رزمندگان در جبهه ها کم بود و امام(ره) اعلام جهاد کرد، محمدرضا داشت امتحانات نهایی دیلم را می داد. امتحانات را رها کرد و عازم شد. در مدت ۵ سالی که در جبهه بود،

با تن زخمی هم نماز شب می خواند

بیشتر اوقات وقتی به اصفهان می آمد مجروح بود. مراعات حال مرا می کرد و کمتر از اوضاع جبهه برایم تعریف می کرد اما می دانم که در تابستان و در اوضاع جنگ و در اوج گرمای خوزستان تمام روزه ها را می گرفت و نماز شبش ترک نمی شد. حتی وقتی مجروح بود و برای مرخصی می آمد هم نماز شب را ترک نمی کرد و تنها یکبار که شیمیایی شده بود و از تب شدید بیهوش شده بود، نتوانست نماز شب بخواند. «مادر شهید محمدرضا تورجی زاده درباره حساسیت بالای شهید بر ناموس و غیرت او اینطور می گوید: «همیشه می گفت اگر شهید شدم و خبر شهادت مرا آوردند، می دانم که شما شیون نمی کنید اما مراقب باشید که میباید خواهراتم گریه و شیون نکنند و نامحرم صدای آنها را بشنود و ما هم به وصیت شهید در این زمینه عمل کردیم.»

شهید محمدرضا تورجی زاده ۲۳ تیر ماه ۱۳۴۳ متولد شد. از همان کودکی به عشق اهل بیت(ع) با شور و صفا ناپذیر در مجالس عزاداری شرکت می کرد. دوران تحصیل را همراه با کار و همپاری در مغازه پدر آغاز کرد؛ پدرش به دلیل علایق مذهبی برای دوره راهنمایی او را در مدرسه مذهبی احمدیه ثبت نام کرد. کلاس سوم راهنمایی او مقارن با قیام مردم قم شده بود که شهید با جمعی از دوستان هم کلاسی، چند نوبت تظاهراتی در مدرسه تدارک دیده بودند. با اوج گرفتن انقلاب، شهید با چند تن از دوستان فعالیت های سیاسی خود را در مسجد ذکرائه آغاز و در تظاهرات ضدحکومت شرکت می کرد که چندبار مورد ضرب و شتم مأموران قرار گرفت.



بخشی از وصیت نامه شهید

در بخشی از وصیت نامه شهید تورجی زاده آمده است: «خدایا شهادتی که لباس مقدس سپاه را به این عشق و نیت به تن کردم که برای من کفنی باشد، آغشته به خون. خدایا معیار سنجش اعمال خلوص است. من می دانم اخلاص کم است، اما اگر مخلص نیستیم، امیدوارم. اگر گناه و معصیت کورم کرده، بیبای رحمتت، با لطف و کرم خود مرا در یاب که با لیاقت فرستگ ها راه است.»

پهلوشکسته پرکشید

شهید تورجی زاده سال ۶۶ در عملیات کربلای ۱۰ حسین فرماندهی گردان یا جراحی در زهرا(س) در سنگر فرماندهی به شهادت رسید. جراحی که سبب شهادتش شد همچون حضرت زهرا(س) بود: جراحی بر پهلوی و بازو و ترکش هایی مانند تاز پانه بر کمر. مزار او از زمان شهادت تاکنون محل زیارت کسانی است که راز دل را تنها با او گفته اند و از او برای گشایش در کارهایشان یاری می گیرند. هنوز هم بسیاری از شیفتگان شهیدا به سراغش می آیند، راز دل با او می گویند و از او می خواهند شفیع شان باشد.



حضرت امام خمینی* شهیدا شمع محفل دوستانند. شهیدا در فقهه مستانه شان و در شادی و صولشان «عند ربهم یزفون» اند؛ و از «نفوس مطمئنه ای» هستند که مورد خطاب «فان خلی فی عبادی واذ خلی ختی» پروردگارند. اینجا صحبت عشق است و عشق؛ و قلم در ترسیم اش بر خود می شکافد.



حضرت آیت الله خامنه ای

روز به روز باید یاد شهیدا و تکرار نام شهیدا نکته بایی و نکته سنجی زندگی شهیدا در جامعه ما رواج پیدا کند و اگر این شد، آن وقت مسئله شهادت که به معنای مجاهدت تمام عیار در راه خداست، در جامعه مانگا خواهد شد و اگر این شد، برای این جامعه دیگر شکست وجود نخواهد داشت.



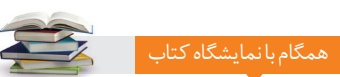
آیت الله جوادی آملی

این که در سوره مبارکه بقره و آل عمران فرمود شهیدا زنده اند، نه زنده معطل، بلکه زنده شاعلی، شغل آنها رهبری دیگران به آن هدف و آرمان های اصیل است؛ اینها مر تب از ذات اقدس اله مسئلت می کنند که راهبان راه ما در چه مقطعی هستند.



شهید مرتضی مطهری

واژه «شهید» یکی از واژگانی است که مقدس شمرده می شود و از خودگذشتگی را به همراه دارد. هر انسانی حاضر است برای خود هر کاری انجام دهد اما هرگاه کسی از تمیت خود خارج شد و برای دیگران دست به عملی زد، او جایگاهی مقدس و ارزشمند دارد.



همگام با نمایشگاه کتاب

مراحل پایانی غرفه سازی برای ناشران در فضای شبستان

حسین تیموری، مدیر کمیته اجرایی و پشتیبانی سی و پنجمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران با اشاره به فعالیت های این کمیته در آستانه برگزاری این دوره از نمایشگاه بین المللی کتاب تهران گفت: فضای مصلاای امام خمینی(ره) تحویل ستاد برگزاری نمایشگاه شده است و نقشه ها و جانمایی ناشران حوزه های کودک و نوجوان، ناشران داخلی، ناشران خارجی، ناشران بین الملل نهایی شده و اجرای غرفه ناشران این حوزه ها اواخر این هفته شروع و تا اوایل هفته آینده تکمیل می شود. وی با بیان اینکه غرفه سازی ناشران در فضای شبستان مراحل پایانی خود را طی می کند، عنوان کرد: آماده سازی زیرساخت های مورد نیاز در مصلاای امام خمینی(ره) همچون غرفه های تبلیغات، غرفه های رفاهی و غرفه های اطلاع رسانی از سه شنبه (چهارم اردیبهشت ماه ۱۴۰۳) آغاز شده است. ارتباط با نهادها و سازمان های همکار در برگزاری این رویداد برقرار شده و جلسهای با حضور اعضای کمیسیون فرهنگی و اجتماعی شورای اسلامی شهر تهران برگزار شده است. همچنین کمیته های تخصصی شکل گرفته تا در فرایندی ضمن بازدید از محل برگزاری نمایشگاه، برنامه ریزی های لازم را برای اجرای برنامه ها و فعالیت های خود پیش بینی کنند. بیش از ۷۰ سازمان و نهاد با نمایشگاه همکاری دارند.

توجه ویژه به مخاطبان کودک و نوجوان در نمایشگاه کتاب

مهرداد باقری پیدنی، رئیس سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، نمایشگاه بین المللی کتاب تهران را مهم ترین رویداد فرهنگی کشور معرفی کرد و با تأکید بر اینکه تهران هر ساله میزبان علاقه مندان کتاب از سراسر کشور است، گفت: اردیبهشت ماه هر سال به خاطر برگزاری نمایشگاه کتاب تهران یک ماه ویژه فرهنگی است؛ مدیران کلانشهری در تهران همه ساله تلاش دارند این رویداد بزرگ و بین المللی را رونق دهند. او توجه به کتاب را یک امر ضروری دانست و با تأکید بر اینکه نمایشگاه کتاب نباید صرفاً یک اتفاق تقویمی باشد که حتماً باید تأثیرات قابل لمس داشته باشد، ادامه داد: بازدید حدود ۴ میلیون مخاطب از نمایشگاه کتاب تهران به معنی یک ظرفیت بزرگ و مهم فرهنگی است که باید بسیاری از مشکلات و مسائل را به واسطه آن برطرف کرد. رئیس سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران ادامه به رویکرد این سازمان در سی و پنجمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران پرداخت و عنوان کرد: رویکرد سازمان فرهنگی و هنری شهرداری در نمایشگاه کتاب امسال، توجه و تمرکز بر مخاطب کودک و نوجوان است. ما امسال تلاش خواهیم کرد مفصل به موضوع دعوت برای حضور مخاطب کودک و نوجوان به نمایشگاه کتاب تهران بپردازیم.

کتاب

شمارگان ۷۵ هزار نسخه ای کتاب شهید تورجی زاده

کتاب «یا زهرا(س)» خاطرات و زندگینامه شهید محمدرضا تورجی زاده است که توسط گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی منتشر شده است. این کتاب که به تازگی (پهسار ۱۴۰۳) به چاپ

بیست و نهم رسیده تا به حال بیش از ۷۵ هزار نسخه تیراژ خورده است. در این کتاب به فواصل منظم درباره شهید تورجی زاده، دیدگاه ها و نگاه های متفاوت (از مادر و پدر گرفته تا دوستان و نزدیکانش) دیده می شود. در بخشی از این کتاب با عنوان «میلاذ» که راوی آن مادر شهید تورجی زاده است، چنین می خوانیم: «روزهای آغاز سال ۱۳۴۳ بود. ۲۳ سال از خدا عمر گرفته بودم. خدانود دختر سه خانواده ما عطا کرده است. فرزند بزرگم ۴ ساله بود. تا ۳ ماه دیگر هم فرزند بعدی به دنیا می آید. مثل بسیاری از مردم آن زمان در یک خانه بلوغ و پرجمعیت بودیم. حیاطی بود و تعدادی اتاق در اطراف آن. در هر اتاق هم خانواده ای. رسیدگی به کارهای خانه و چندین فرزند خیلی سخت بود. بیشتر وقت ها مادرم به کمکم می آمد اما باز هم مشکلات تمامی نداشت. البته همه مردم آن زمان مثل ما بودند. همه تحمل می کردیم و شکر خدا را به جا می آوردیم. مثل حالا نبود که این قدر رفاه و آسایش باشد با این همه ناشکری. مادرم بیش از همه به من سفارش می کرد. می گفت: «وقتی باردار هستی بیشتر وقت کن. نمازت را اول وقت بخوان. مادرم می گفت: «به قرآن و احکام بیشتر اهمیت بده. هر غذایی که برایت می آورد نخور.» من هم تا آنجا که می توانستم عمل می کردم. مادرم هست همیشه و همه جا دعا این کتاب در ۲۱۶ صفحه به قیمت ۶۵ هزار تومان از سوی انتشارات امینان به چاپ بیست و نهم رسیده است.